

# اعتقادنامہ ی

## بلژیک

خدمات لیگونیر 

## مقدمه

### پیش‌زمینه

اعتقادنامه‌ی بلژیک نخستین بار به قلم کشیش ریفورمد فرانسوی‌زبان گیدو دو برس تالیف شد. او در ژنو شاگرد کلون بود. گرچه برس نویسنده‌ی اصلی اعتقادنامه‌ی بلژیک بود، سایر کشیشان و الهیدانان اصلاح‌گر، از جمله فرانسویس جونیوس که بعدها یکی از اساتید بنام اصلاحات دینی در دانشگاه لیدن شد، در تهیه‌ی نسخه نهایی آن مشارکت داشتند.

اعتقادنامه اول بار در سال ۱۵۶۱ نوشته شد و نسخه‌هایی از آن برای تایید به ژنو و سایر کلیساهای اصلاح‌شده فرستاده شدند. در سال‌های ۱۶۱۸-۱۶۱۹، شورای بزرگ دورت متن را اصلاح کرد و به شکل کنونی درآورد و رسماً آن را برای چهار زبان (فرانسوی، لاتین، هلندی و آلمانی) تایید نمود. مدتی پس از نگارش، به فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا که در آن زمان هلند را نیز در اختیار داشت عرضه شد، به این امید عبث که تساهل شامل ایمان اصلاح‌شده نیز بشود. در عین حال، این اعتقادنامه از همان آغاز در کلیساهای اصلاح‌شده هلند به سرعت پذیرفته شد.

تهیه اعتقادنامه‌ی بلژیک و ارائه‌ی آن به فیلیپ دوم اهمیت فراوانی داشت. گیدو دو برس و هلندی‌های مومن به اصلاحات دینی، در مواجهه با پیگردهای شدید این حاکم کاتولیک رومی و دادستانانش، نگران بودند که نتوانند نشان دهند ایمانشان با آموزه‌های کتاب مقدس و اجماع نظر کلیسای جامع مقدس و شوراهای آن سازگار است. به همین دلیل لحن سراسر اعتقادنامه‌ی بلژیک آشتی‌جویانه است، به ویژه در جایی که تعهد ایمان اصلاح‌شده به آموزه‌های اصلی کتاب مقدس درباره تثلیث، شخص عیسی و کارهای او را به دقت شرح می‌دهد. دعاوی اصلی تعالیم کاتولیک رومی انکار شده‌اند، اما هدف از این اعتقادنامه آن است که خواندگانش به این نتیجه برسند که ایمان اصلاح‌شده همان ایمان تاریخی کلیسای مسیحی است.

یکی دیگر از اهداف این اعتقادنامه، که در عین شباهت‌های فراوان با اعتقادنامه‌ی فرانسوی یا گالیک (۱۵۵۹) از آن متمایز می‌شود، این است که نشان دهد ایمان اصلاح‌شده با عقاید «آناپتیست‌ها» فرق دارد. بعضی از آناپتیست‌ها، که در اوایل دوره‌ی اصلاحات دینی نفوذ فراوانی در هلند داشتند، نه تنها معتقدند بودند نباید نوزادان تعمید شوند بلکه مشروعیت دادستان‌های مدنی به عنوان خادمان خدا و ابزار اعمال حاکمیت خداوند را زیر سوال می‌بردند. آناپتیست‌ها میان پادشاهی روحانی عیسی (کلیسا) و نظم مدنی تمایز واضحی قائل و به کلی خواهان جدایی از جهان بودند، در نتیجه یک آناپتیست نباید به خدمت سربازی برود، سوگند یاد کند، یا مالیات بدهد. برخی از ویژگی‌های اعتقادنامه‌ی بلژیک نشان می‌دهند که علت نگارشش دفاع از ایمان اصلاح‌شده در برابر برخی از جنبه‌های رادیکال نهضت اصلاحات بوده است.

## محتوا

اعتقادنامه‌ی بلژیک یک بیانیه‌ی اعتراف‌گونه از نوع **کانن‌های دورت** نیست که هدفش تشریح یک خطای اعتقادی باشد. اعتقادنامه‌ی بلژیک، هم‌چون دو اعتقادنامه‌ی قبل از خود اعتقادنامه‌ی ژنو نوشته‌ی کلوبین و اعتقادنامه‌ی گالیک (که هر دو در ۱۵۵۹ به پایان رسیدند)، شرح جامعی از ایمان مسیحی و اصلاح‌شده بدست می‌دهد.

به طور کلی، محتوای سی و هفت بندی که این اعتقادنامه‌ی را تشکیل می‌دهند متناظر با سه بند از اعتقادنامه رسولان است. در بندهای اولیه (۱ تا ۷) دیدگاه اصلاحات دینی راجع به الهامی بودن و مرجعیت کتب قانونی ارائه شده و سپس حقیقت تثلیث، و بعد از آن اعمال الهی یعنی آفرینش و مشیت وی تصدیق گردیده است (بندهای ۸ تا ۱۳). در قسمت میانی اعتقادنامه شاهد آموزه‌های کتاب مقدس درباره‌ی شخص و اعمال مسیح هستیم و در همین جاست که برداشت اصلاحات دینی از رستگاری عرضه و گفته می‌شود رستگاری فقط از طریق فیض میسر است و آن نیز فقط متکی به ایمان است؛ از این رو، در این جا به وضوح میان دیدگاه اصلاحات دینی با اشتباهات آموزه‌های کاتولیک رومی تمایز ایجاد می‌شود (بندهای ۱۴ - ۲۳). در قسمت جمع‌بندی اعتقادنامه، خلاصه‌ای درباره‌ی شخص و اعمال روح القدس بیان می‌شود که در بر گیرنده‌ی چند بند درباره‌ی کلیسا و آیین‌ها و یک بند ویژه درباره‌ی انتصاب الهی و جایگاه حاکم مدنی (بندهای ۲۴ تا ۳۷) است.

گرچه اعتقادنامه‌ی بلژیک به وضوح علائم پیش‌زمینه‌ی تاریخی‌ای را که نخستین بار در آن به رشته تحریر درآمد بر خود دارد، اما هم‌چنان یکی از بهترین اعتقادنامه‌های ایمان مسیحی در کلیساهای اصلاح‌شده است.

## بند ۱

### فقط یک خدا وجود دارد

همه‌ی ما قلباً ایمان داریم، و با زبان اعتراف می‌کنیم، که فقط یک وجود بسیط و روحانی وجود دارد که ما او را خدا می‌نامیم؛ که او ابدی، ورای ادراک، نادیدنی، تغییرناپذیر، نامحدود، قادر مطلق، در حکمت کامل، عادل، نیک، و سرچشمه‌ی تراوش‌کننده‌ی همه‌ی نیکی‌هاست.

## بند ۲

### از چه راه‌هایی خداوند را می‌شناسیم

او را از دو طریق می‌شناسیم: نخست از راه آفرینش، نگهداری و حکومتش بر جهان؛ که هم‌چون باشکوه‌ترین کتاب پیش چشم ما گسترده است، در آن تمامی مخلوقات، بزرگ و کوچک، فراوانند و ما را فرامی‌خوانند تا به امور نادیدنی خداوند بیان‌دیشیم، یعنی قوت سرمدی و الوهیتش، همان‌طور که پولس رسول می‌گوید (رومیان ۱: ۲۰). این امور برای متقاعدکردن آدمیان کفایت می‌کنند و جای هیچ بهانه‌های باقی نمی‌گذارند.

دوم، او با کلام مقدس و الهی‌اش خود را با وضوح بیشتر و به صورت کامل‌تری آشکار می‌کند؛ به بیان دیگر، تا بدان جا که لازم باشد در این زندگی او را، در جلالش و برای نجاتمان بشناسیم.

## بند ۳

### کلام مکتوب خداوند

ما اعتراف می‌کنیم این کلام خداوند با اراده‌ی بشر فرستاده و یا دریافت نشده است، بلکه مردان مقدس خدا به دست روح‌القدس به جنبش درآمدند و سخن گفتند، چنان که پطرس رسول تصدیق می‌کند. سپس خداوند، از سر توجه ویژه‌ای که به ما و نجات ما دارد، به خادمینش، انبیاء و رسولان، حکم نمود تا مکاشفه‌ی کلام او را مکتوب کنند؛ او خود با انگشت خودش دو لوح فرامین را نوشت. بنابراین، ما این مکتوبات را متون مقدس و الهی می‌خوانیم.

## بند ۴

### کتاب‌های قانونی متون مقدس

ما ایمان داریم متون مقدس در دو کتاب آورده شده‌اند، عهدقدیم و عهدجدید؛ این متون قانونی هستند و هیچ چیزی علیه‌شان نمی‌توان گفت. نام آن‌ها در کلیسای خداوند تعیین شده است.

کتاب‌های عهدقدیم عبارتند از: پنج کتاب موسی، یعنی پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، تثنیه؛ کتاب‌های یوشع، داوران، روت، دو کتاب سموئیل، دو کتاب پادشاهان، دو کتاب تواریخ معروف به تواریخ دوران، اول عزرا، نحمیا، استر، ایوب، مزامیر داوود، سه کتاب سلیمان یعنی امثال، جامعه و غزل غزل‌ها؛ چهار انبیای بزرگ اشعیا، ارمیا، حزقیال، و دانیال؛ و دوازده انبیای کوچک، یعنی هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکاه، ناحوم، حبقوق، صfnیا، حجی، زکریا و ملاکی.

کتاب عهدجدید عبارتند از: چهار انجیل، یعنی انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا؛ اعمال رسولان؛ چهارده رساله پولس رسول، یعنی یک رساله به رومیان، دو رساله به قرنتیان، یک رساله به غلاطیان، یک رساله به افسسیان، یک رساله به فیلیپیان، یک رساله به کولسیان، دو رساله به تسالونیکیان، دو رساله به تیموتائوس، یک رساله به تیطس، یک رساله به فیلمون، و یک رساله به عبرانیان؛ هفت رساله متعلق به سایر رسولان، یعنی یک رساله متعلق به یعقوب، دو رساله متعلق به پطرس، سه رساله متعلق به یوحنا، یک رساله متعلق به یهوذا؛ به همراه مکاشفه یوحنا رسول.

## بند ۵

### اقتدار و منزلت متون مقدس ریشه در چه چیزی دارد

ما تمامی این کتب مقدس و قانونی را، و فقط این کتب را، به عنوان قاعده‌ی بنای ایمانمان تصدیق و دریافت می‌کنیم؛ بی هیچ شکی به هر آن چه در آن کتب آمده است باور داریم، نه به این دلیل که کلیسا آن‌ها را از این منظر دریافت و تصدیق می‌کند، بلکه بیشتر به این دلیل که روح‌القدس در قلب ما شهادت می‌دهد که آن کتب از جانب خداوندند و در نتیجه شهادتشان در خودشان موجود است. زیرا حتی کوران نیز می‌توانند مشاهده کنند پیش‌گویی‌های موجود در آن‌ها محقق می‌شوند.

## بند ۶

### تفاوت میان کتاب‌های قانونی و کتاب‌های مشکوک

ما میان این کتب مقدس و کتب مشکوک تمایز قائل هستیم، و کتب مشکوک عبارتند از کتب سوم و چهارم اسدراس، کتب طوبیت، یهودیه بنت مراوی، حکمت، عیسی سیراخ، باروخ، افزوده‌ها به کتاب استر، سرود سه کودک در کوره، داستان سوزانا، بعل و اژدها، دعای منسی، و دو کتاب مکابیان. کلیسا می‌تواند تمامی این کتب را بخواند و از آن‌ها دستورهایی استخراج کند، به شرطی که با کتاب‌های قانونی سازگار باشند؛ اما آن‌ها از داشتن قدرت و کارایی لازم برای بیان نکته‌ای تاثیرگذار در ایمان یا دین مسیحیت بسیار دور هستند، و از آن کمتر توان سلب اقتدار سایر کتب مقدس را ندارند.

## بند ۷

### کفایت متون مقدس به عنوان تنها قاعده‌ی ایمان

ما ایمان داریم آن متون مقدس اراده‌ی خداوند را به طور کامل در بر دارند، و هر آن چه انسان برای نجات باید به آن ایمان بیاورد به اندازه‌ی کافی در این کتب تعلیم داده شده است. از آن جا که شیوه‌ی کلی پرستش خداوند که بر ما واجب است در آن‌ها توصیف شده است، بر خلاف شریعت است که کسی، حتی به اسم رسول، چیزی تعلیم دهد که با آن چه در متون مقدس یافت می‌شود در تضاد باشد: به قول پولس رسول، **یا فرشته‌ای از آسمان**. چرا که نباید چیزی به کلمه **خدا افزود یا از آن کاست**، پس به وضوح نتیجه گرفته می‌شود که تعلیم این کتب از تمامی جهات کامل‌ترین و بهترین است. به همین ترتیب، ما ایمان داریم هیچ یک از نوشته‌های انسان‌ها ارزشی برابر با آن متون الهی را ندارند، هر چقدر هم که نویسنده انسان مقدسی بوده باشد؛ هیچ چیز دیگری نیز، اعم از رسوم، جمعیتی کثیر، قدمت، یا توالی زمان‌ها و اشخاص، یا شوراها، احکام، یا مقررات از نظر ارزش با حقیقت خداوند برابری نمی‌کند، زیرا حقیقت خدا برتر از همه است؛ زیرا تمامی انسان‌ها علی‌الاطلاق دروغ‌گو، و در بطالت هستند. بنابراین، با تمامی وجود هر آن چه را با این قانون شکست‌ناپذیر که رسولان برای ما آورده‌اند سازگار نباشد رد می‌کنیم، **روح‌ها را بیازمایید که از خدا هستند یا نه** به همین ترتیب، **اگر کسی به نزد شما آید و این تعلیم را نیاورد، او را به خانه‌ی خود می‌پذیرید.**

## بند ۸

### خداوند یک ذات، ولی در سه شخص متمایز است

بر اساس این حقیقت و این کلام خدا، ما فقط به یک خدای واحد باور داریم که فقط یک ذات است، و در آن سه شخص هست، واقعاً، حقیقتاً و به طور جاودانه متمایز از یکدیگر، چرا که ویژگی‌های قیاس‌ناپذیر دارند؛ یعنی پدر، و پسر، و روح‌القدس. پدر علت، خاستگاه و سرآغاز همه‌ی چیزهاست، اعم از چیزهای دیدنی و نادیدنی؛ پسر کلمه است، حکمت و تصویر پدر؛ روح‌القدس قدرت و توانایی ابدی است، که صادر از پدر و پسر است. در عین حال، این تمایزات خداوند را به سه بخش تقسیم نمی‌کند، زیرا متون مقدس به ما می‌آموزند که پدر، پسر و روح‌القدس هر یک شخصی در وجود الهی هستند که با ویژگی‌هایشان از هم متمایز می‌شوند؛ اما به ترتیبی که این سه شخص فقط یک خدا هستند. بنابراین، روشن است که پدر پسر نیست، پسر نیز پدر نیست، و به همین ترتیب روح‌القدس نه پدر است نه پسر. با وجود این، این سه شخص که بدین صورت از هم متمایز شدند نه تقسیم می‌شوند نه با هم ممزوج می‌گردند؛ زیرا پدر بدن نداشته است، روح‌القدس نیز، و فقط پسر. پدر هرگز بدون پسرش نبوده است، یا بدون روح‌القدس. زیرا آن‌ها هر سه جاودانگی و ذات مشترک دارند. هیچ اول و آخری در کار نیست؛ زیرا آن سه یک هستند، در حقیقت، در قدرت، در نیکی، و در رحمت.

## بند ۹

### اثبات بند قبل در باب تثلیث اشخاص در خدای واحد

ما به همه‌ی این‌ها از طریق گواهی‌های متون مقدس و از عملکردهایشان شناخت پیدا کرده‌ایم، و عمدتاً از طریق اموری که درون خود احساس می‌کنیم. گواهی‌های متون مقدس که به ما می‌آموزند به تثلیث مقدس باور داشته باشیم در جاهای فراوانی از عهدقدیم آمده‌اند، که برشمردنشان به اندازه انتخاب دقیق و صحیح‌شان ضرورت ندارد. در پیدایش ۱: ۲۶-۲۷ خداوند می‌گوید: آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم... پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. هم‌چنین در پیدایش ۳: ۲۲ آمده است: همانا انسان مثل یکی از ما شده است. از این سخن که آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم به نظر می‌رسد که در الوهیت بیش از یک شخص وجود داشته باشد؛ سپس وقتی می‌گوید خدا آفرید بر این وحدت دلالت می‌کند. درست است که نمی‌گوید چند شخص وجود دارد، ولی آن چه در عهدقدیم مبهم به نظر می‌رسد در عهدجدید بسیار روشن است.

زیرا وقتی خداوند ما در رود اردن تعمید گرفت، صدای پدر شنیده شد که گفت این فرزند حبیب من است: پسر در آب دیده شد، و روح‌القدس به شکل کبوتری درآمد. در تعمید همه‌ی ایمانداران نیز به همین شکل است. و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید. در انجیل لوقا، جبرئیل فرشته چنان با مریم، مادر خداوند ما، سخن می‌گوید: روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد. هم‌چنین، فیض خداوند عیسی مسیح و محبت خدا و شراکت روح‌القدس با جمیع شما باد. در تمامی این موارد، به طور کامل به ما تعلیم داده می‌شود که سه شخص در فقط یک ذات الوهی وجود دارند. به علاوه، گرچه این آموزه بسیار فراتر از درک بشر است، اکنون به واسطه‌ی کلام خدا به آن ایمان داریم، ولی امیدواریم پس از این و در آسمان بتوانیم به شناخت کامل آن نائل آییم و از آن بهره ببریم.

افزون بر این، باید جایگاه و کارهای این سه شخص در نسبت با خودمان را بشناسیم. پدر بنا به قدرتش خالق ما نامیده می‌شود؛ پسر با خورش منجی و بازخریدکننده‌ی ماست؛ روح‌القدس با سکونتش در قلوبمان تقدیس‌کننده‌ی ماست.

از زمان رسولان تا به امروز، کلیسای حقیقی از آموزه‌ی تثلیث مقدس در برابر یهودیان، مسلمانان، و برخی از مسیحیان دروغین و بدعت‌گزاران هم‌چون مارسیون، مانس، پراکستاس، سابلیوس، ساموساتنوس، آریوس و مانند آن‌ها، که پدران راست‌دینمان به درستی ایشان را محکوم کردند، دفاع کرده است.

در نتیجه، در این نکته ما با آغوش باز با هر سه اعتقادنامه هم‌رای هستیم، یعنی اعتقادنامه رسولان، اعتقادنامه نیکیه، و اعتقادنامه آتاناسیوس؛ به همین ترتیب، از این جهت با پدران کلیسا نیز هم‌رای هستیم.

### بند ۱۰

#### عیسی مسیح خدای حقیقی و جاودانه است

ما ایمان داریم عیسی مسیح، بر اساس ذات الهی‌اش، تنها پسر خداوند است، که از ازل پسر او بوده، و ساخته یا آفریده نشده است (زیرا در آن صورت یک مخلوق می‌بود)، بلکه در ذات و جاودانگی با پدر مشترک است، صورت خدای نادیده، و درخشندگی جلال او، و در همه‌ی چیزها برابر با او. او پسر خداست، نه فقط از زمانی که طبیعت ما را بر خود گرفت، بلکه از ازل، همان‌طور که گواهی‌های زیر و مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر چنین به ما می‌آموزند. موسی می‌گوید خدا جهان را آفرید و یوحنا می‌گوید همه چیزها با آن کلمه آفریده شد که او خدایش می‌نامد. به علاوه، رسول می‌گوید خدا دنیاها را با پسرش آفرید؛ هم‌چنین می‌گوید خداوند همه چیز را با عیسی مسیح خلق کرد. بر این اساس، باید نتیجه گرفت که او – که خدا، کلمه، پسر و عیسی مسیح نامیده می‌شود – در زمانی که همه چیز توسط او خلق می‌شد وجود داشت. از همین رو، میکاه نبی می‌گوید طلوع‌های او از قدیم و از ایام ازل بوده است. هم‌چنین رسول می‌گوید: بدون ابتدای ایام و انتهای حیات. پس او آن خدای حقیقی، جاوید و قادر است که ما به او تضرع کرده، عبادت می‌کنیم و خدمت می‌رسانیم.

### بند ۱۱

#### روح‌القدس خدای حقیقی و جاودانه است

ما هم‌چنین ایمان داریم و معترفیم که روح‌القدس از ازل از پدر و پسر صادر شده، و لذا نه ساخته شده، نه خلق شده، نه زاده شده، بلکه از آن دو صادر شده است؛ او از جهت ترتیب سومین شخص تثلیث است، از همان ذات، عظمت و شکوه یکتای پدر و پسر، و بنابراین همان‌طور که متون مقدس به ما می‌آموزند روح‌القدس خدای حقیقی و جاودانه است.

### بند ۱۲

#### آفرینش

ما ایمان داریم پدر، توسط کلمه، یعنی پسرش، آسمان و زمین و همه مقولاتی را که به نظرش نیک رسیدند از هیچ خلق کرد و به هر مخلوق هستی، شکل، فرم و مناصبی داد تا خالق خود را خدمت کنند؛ به علاوه، او با مشیت ابدی خود و قدرت بی‌نهایتش مخلوقات را در خدمت انسان قرار می‌دهد، با این هدف که انسان خداوند را خدمت کند.



او هم‌چنین فرشتگان را نیک آفرید تا پیغام‌برانش باشند و برگزیدگانش را خدمت کنند؛ بعضی از آن‌ها از مرتبه‌ی والایی که خداوند ایشان را در آن جا قرار داده بود به هلاک ابدی سقوط کرده‌اند و بعضی دیگر، به فیض خداوند، ثابت‌قدم مانده و هم‌چنان در وضعیت اولیه‌ی خود هستند. شیاطین و ارواح شیطانی چنان محرومند که با تمام قوایشان دشمنان خدا و تمامی چیزهای خوب گشته‌اند، قاتلانی هستند که انتظار نابودی کلیسا و همه‌ی اعضایش را می‌کشند، و توطئه می‌کنند تا همه‌ی آن‌ها را نابود کنند؛ به علاوه، به واسطه‌ی شرارت خودشان، محکوم به لعنت ابدی هستند، و هر روز انتظار شکنجه‌های فجیعشان را می‌کشند. بنابراین، ما رای صدوقیان را که وجود ارواح و فرشتگان را منکر بودند، و نیز رای مانویان را که می‌گویند شیاطین خاستگاه مجزایی دارند و بنا به طبیعت خود شریر هستند بی آن که فاسد شده باشند، رد می‌کنیم و از آن‌ها بی‌زاری می‌جوییم.

### بند ۱۳

#### مشیت الهی

ما ایمان داریم همان خدایی که همه چیز را آفرید مخلوقاتش را رها نکرد یا به دست بخت یا تصادف نسپرد، بلکه او مطابق با اراده‌ی مقدسش بر ایشان حکومت می‌کند، و هیچ چیز در این جهان اتفاق نمی‌افتد مگر به خواست او؛ در عین حال، خداوند نه گناهان را مرتکب می‌شود و نه مسئول آن‌هاست. زیرا قدرت و نیکی او چنان عظیم است و ورای ادراک که او کارش را به بهترین و عادلانه‌ترین شیوه نظم می‌دهد و اجرا می‌کند، حتی زمانی که شیاطین و انسان‌های شریر ناعادلانه عمل می‌کنند. به علاوه، در خصوص آن چه ورای ادراک بشر است، ما نمی‌توانیم بیش از ظرفیتمان درک کنیم؛ ولی با فروتنی و احترام بسیار قضاوت‌های درست خدا را که از ما پنهان هستند تحسین می‌کنیم و به این راضی هستیم که شاگردان عیسی باشیم و فقط چیزهایی را یاد بگیریم که او در **کلمه‌اش** برای ما آشکار کرده است، بی آن که از این حدود فراتر برویم.

این آموزه به ما تسلی و صف‌ناپذیر می‌دهد، زیرا بدین طریق یاد می‌گیریم که هیچ چیز از سر تصادف رخ نمی‌دهد، بلکه همه چیز تحت هدایت پدر آسمانی ماست که مهربان‌ترین است، هم‌چون یک پدر مراقب ماست، همه‌ی مخلوقات را چنان تحت قدرت خویش دارد که حتی یک موی سر ما (زیرا همه شمارش شده‌اند) و نه یک گنجشک بدون اراده‌ی پدرمان بر زمین نمی‌افتد، و ما به او کاملاً اعتماد داریم؛ اعتقاد داریم او چنان شیطان و همه دشمنان ما را محدود کرده است که، بدون اراده و اجازه‌ی او، نمی‌توانند به ما آسیب برسانند. هم‌چنین ما این خطای نفرت‌انگیز اپیکوریان را که می‌گویند خداوند به هیچ چیز توجه ندارد و همه چیز را به دست تصادف سپرده است مردود می‌دانیم.

## بند ۱۴

### آفرینش و سقوط انسان و ناتوانی او در اجرای آن چه حقیقاً نیک است

ما ایمان داریم خداوند انسان را از خاک زمین آفرید، و او را بنا به تصویر خودش و شبیه خود خلق کرد و شکل داد، نیکو، عادل، مقدس، و قادر به این که در تمامی امور همراستا با اراده‌ی خداوندی اراده کند. اما انسان جایگاه خویش را نشناخت، و نیز ارزش خویش را، و اراده به گناه کرد، و در نتیجه محکوم به مرگ و لعنت شد، زیرا گوش خود را به کلمات شیطان سپرده بود. او از حکم حیات که به وی داده شده بود تخطی کرد؛ گناه کرد و بدین واسطه خود را از خدایی که زندگی حقیقی‌اش بود جدا کرد، سراسر ذات خویش را فاسد نمود، در نتیجه خود را در معرض مرگ جسمانی و روحانی قرار داد. پس چون شریر، منحرف و فاسد در جمیع جهات شد تمامی عطایای عالی خود را که از خداوند دریافت کرده بود از دست داد و فقط اندکی برایش ماند، و همین اندک نیز برای این که بی‌بهبانه باشد کفایت می‌کند. تمامی نوری که در ماست به تاریکی تبدیل شد، همان‌طور که کتاب مقدس به ما می‌آموزد: **نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را درنیافت؛ در اینجا یوحنا انسان‌ها را تاریکی می‌نامد.**

بنابراین ما تمامی چیزهایی را که خلاف این آموزه در باب اراده‌ی آزاد بشر باشد رد می‌کنیم، زیرا انسان فقط برده‌ی گناه است و از خود هیچ ندارد جز آن چه از آسمان به وی داده می‌شود. مگر چه کسی می‌تواند لاف بزند که از پیش خود کار نیک تواند کرد، زیرا عیسی می‌گوید: **کسی نمی‌تواند نزد من آید، مگر آن که پدری که مرا فرستاد او را جذب کند و من در روز بازپسین او را خواهم برخیزانید.** چه کسی می‌تواند به اراده‌ی خویش فخر کند، زانرو که تفکر جسم دشمنی خدا است؟ چه کسی می‌تواند سخن از دانش خویش کند، در حالی که انسان نفسانی امور روح خدا را نمی‌پذیرد؟ خلاصه، چه کسی جرات دارد اندیشه‌ای را پیش بکشد؟ زیرا نه آن که کافی باشیم که چیزی را به خود تفکر کنیم که گویا از ما باشد، بلکه کفایت ما از خداست. بنابراین، آن چه رسول می‌گوید می‌بایست با اطمینان و به دقت مد نظر باشد: **زیرا خداست که در شما برحسب رضامندی خود، هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد می‌کند.** زیرا هیچ اراده و هیچ فهمی مطابق با اراده و فهم الهی وجود ندارد جز آن چه عیسی در انسان برانگیخت، و در این آموزه هست که **بی من هیچ نتوانید کرد.**

## بند ۱۵

### گناه اولیه

ما ایمان داریم نافرمانی آدم باعث شد گناه اولیه به تمام بشریت سرایت کند، و این گناه فساد کل ذات و بیماری ارثی است و نوزادان نیز حتی زمانی که در رحم مادرانشان هستند بدان مبتلاندند، و این گناه در انسان تمامی انواع گناه را برمی‌انگیزد و ریشه همه‌ی آن‌هاست؛ بنابراین، این گناه در چشم خداوند چنان کریه و پلید است که برای محکوم کردن کل بشر کفایت می‌کند. این گناه به هیچ طریقی برطرف نمی‌شود و تعمید نیز آن را پاک نمی‌گرداند، زیرا گناه همواره از سرچشمه‌ی پلیدش نشات می‌گیرد، هم‌چنان که آب از چشمه؛ در عین حال، فرزندان خدا را

محکوم به مرگ نمی‌کند، بلکه آن‌ها با فیض و رحمت خداوند بخشیده می‌شوند. نه این که آن‌ها در گناه باقی بمانند، بلکه این فساد باید ایشان را برانگیزد تا اغلب آه کشند و بخواهند تا از این بدن مرگ نجات یابند. بر این اساس، ما دیدگاه طرفداران پلاجیوس را که می‌گویند گناه فقط از راه تقلید ادامه می‌یابد و تاثیر گناه اولیه را رد می‌کنند مردود می‌شماریم.

## بند ۱۶

### انتخاب ابدی

ما ایمان داریم فرزندان آدم، بنا به آن چه گفته شد تباه گشتند و گناه والدین اولیه‌شان ایشان را به فساد کشانید، سپس شاهد آن بودند که خداوند خود را چنان که هست نشان می‌دهد؛ به بیان دیگر، **رحیم و عادل**: رحیم، زیرا او همه‌ی کسانی را که خود، در درایت ابدی و تغییرناپذیرش، صرفاً از سر نیکویی در عیسی مسیح خداوند ما انتخاب کرد، بدون آن که هیچ عملی از آن‌ها در این موضوع برای خداوند مورد پذیرش باشد، از این تباهی نجات داده و حفظ می‌کند؛ **عادل**، در رها کردن دیگران در سقوط و تباهی که به دست خود بدان دچار شده‌اند.

## بند ۱۷

### احیای انسان سقوط کرده

ما ایمان داریم خدای ما که بخشنده‌ترین است، بر اساس حکمت و نیکی تحسین‌برانگیزش، با مشاهده‌ی این که بشر خود را به مرگ دنیوی و روحانی محکوم کرده و خود را به تمامی بیچاره نموده و از حضور الهی گریزان شده بود، تصمیم گرفت انسان را تسلی دهد و لذا به وی وعده داد، که پسرش را خواهد داد، پسری که از یک زن به دنیا خواهد آمد و سر مار را خواهد کویید و انسان را خشنود خواهد نمود.

## بند ۱۸

### درباره‌ی تجسم عیسی مسیح

ما معترفیم خداوند وعده‌ای را که از زبان انبیاء مقدس به پدران داده بود به آن جام رسانید و در زمانی که خود تعیین کرده بود تنها فرزندش را که ابدی بود به جهان فرستاد، و او **صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد**؛ به واقع ذات انسانی بر خود پذیرفت، با همه‌ی ضعف‌های مختص به این ذات، به استثنای گناه، چرا که نطفه‌اش بدون دخالت هیچ مردی و فقط به قدرت روح‌القدس در رحم مریم باکره بسته شد؛ او فقط جنبه‌ی جسمانی ذات انسانی را نداشت، بلکه از نفس انسانی واقعی نیز برخوردار بود و لذا انسانی واقعی بود. زیرا از آن جا که هم جسم و هم نفس از دست رفته بودند، او می‌بایست هر دو را به خود می‌پذیرفت تا هر دو را نجات دهد. پس ما معترفیم (بر خلاف بدعت آناپتیست‌ها که می‌گویند عیسی گوشت انسانی خود را از مادرش گرفت) **پس چون**

فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز هم‌چنان در این هر دو شریک شد؛ او ذریّت صلب داوود به حسب جسد است؛ به حسب جسم از نسل داود متولد شد؛ میوه‌ی رحم مریم باکره است؛ از زن زاییده شد؛ از سبت داوود است؛ نهالی از تنه یسی بیرون آمده؛ از سبط یهودا طلوع فرمود؛ از جهت گوشت از نسل یهودیان است؛ از نسل ابراهیم، زیرا او نسل ابراهیم را دستگیری می‌نماید، و او در هر امری مشابه برادران خود شد، به جز در گناه؛ چنان که در حقیقت او عمانوئیل ماست، به بیان دیگر، خدا با ماست.

## بند ۱۹

### وحدت و تمایز دو ذات در شخص عیسی

ما ایمان داریم بنا بر این برداشت شخص پسر به طور مجزاناپذیر با ذات انسانی وحدت یافته و بدان متصل است، به طوری که نمی‌توان گفت دو پسر خدا وجود دارد، یا دو شخص وجود دارد، بلکه دو ذات وجود دارد که در یک شخص وحدت یافته‌اند؛ ولی هر ذات صفات متمایز خود را حفظ می‌کند. همان‌طور که ذات الهی همواره نامخلوق و بدون آغاز ایام یا انتهای حیات است، ذات انسان نیز صفات خود را از دست نداد بلکه مخلوق ماند، دارای آغاز ایام و محدودیت در ذات، و تمامی صفات بدن واقعی را حفظ کرد. به علاوه، در حالی که او با رستاخیزش ذات انسانی خود را جاودان کرد، اما واقعیت آن ذات را تغییر نداد، زیرا نجات و رستاخیز ما به واقعیت بدن او نیز متکی است.

اما این دو ذات چنان در یک شخص با هم وحدت یافته‌اند که حتی با مرگ او از هم مجزا نشدند. بر این اساس، آن چه او هنگام مرگ به دستان پدرش تقدیم می‌کرد یک روح انسانی واقعی بود که از بدنش جدا می‌شد. اما در همان حین، ذات الهی‌اش همواره با ذات انسانی در وحدت بود، حتی وقتی که او را در قبر نهادند؛ و الوهیت در وجود او متوقف نشد، همان‌طور که از نوزادی با او بود، گرچه تا مدتی آشکار نشده بود. در نتیجه، ما اعتراف می‌کنیم او هم خداست و هم انسان: او خداوند است بنا به قدرتش در غلبه بر مرگ، و انسان است زیرا بنا به ضعف جسمش مرگ بر او راه دارد.

## بند ۲۰

### خداوند عدالت و رحمت خود را در عیسی متجلی کرده است

ما ایمان داریم خداوند، که رحم و عدالت در او به کمال است، پسرش را فرستاد تا ذاتی را بر خود پذیرا گردد که در آن ذات در برابر خداوند نافرمانی شده بود، تا در همان ذات رضایت خدا را جلب کند و با اشتیاق تلخ و مرگ خویش مکافات گناه را تحمل نماید. پس خداوند عدالت خود را بر پسرش اعمال نمود آنگاه که خطاهای ما را بر دوش او قرار داد و لطف و نیکویی خود را بر ما که گناهکار و مستحق محکومیت بودیم نازل کرد، و او این کار را

صرفاً از سر کمال محبت خویش آن جام داد، پسرش را برای ما به مرگ سپرد و به خاطر ما او را قیام داد تا باشد که از طریق او به جاودانگی و حیات ابدی دست یابیم.

## بند ۲۱

### رضامندی در مسیح یگانه کاهن اعظم ما برای ما

ما ایمان داریم بنا به یک عهد، عیسی مسیح پس از ملک‌صدق تا ابد الآباد کاهن اعظم است، و او خود را به جای ما در برابر خداوند حاضر کرد تا غضب او را به طور کامل فرو نشاند، و بدین منظور خود را به چوب صلیب سپرد، و آن طور که انبیاء پیشگویی کرده بودند خون ارزشمند خویش را به ریختن داد تا گناهان ما پاک شوند. زیرا مکتوب است که به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخم‌های او ما شفا یافتیم. او را مثل بره‌ای که برای ذبح می‌برند آوردند، و گناهان بسیاری را بر خود گرفت. پنطیوس پیلاتس او را به بدکاری محکوم کرد، گرچه نخست حکم به برائتش را داد. در نتیجه، او آن چه نگرفته بود، رد کرد، و زحمت کشید، یعنی عادل‌ی برای ظالمان، هم در بدن و هم در نفس خویش، و مکافات فجیعی را که شایسته‌ی گناهان ما بود چشید؛ تا به آن جا که عرق او مثل قطرات خون بود که بر زمین می‌ریخت. او فریاد زد الهی الهی چرا مرا واگذاردی؟ و این همه رنج را برای رهایی ما از گناهان تحمل کرد.

پس ما نیز با این سخن صحیح پولس رسول همنوا می‌شویم که چیزی نداریم، جز عیسی مسیح و او را مصلوب؛ همه چیز را نیز به سبب فضیلت معرفت خداوند خود مسیح عیسی زیان می‌دانیم که به خاطر او همه چیز را زیان کردیم و فضله شمردیم تا مسیح را دریابیم، و در زخم‌های او همه گونه تسلی می‌جوییم. به علاوه، ضرورتی ندارد که جز همین قربانی به دنبال راه‌های دیگری باشیم یا طرق دیگری ابداع کنیم که با خداوند آشتی نماییم، آن قربانی که یک بار داده شد و ایمان‌داران به واسطه‌ی او تا ابد کامل گشتند. هم‌چنین به همین دلیل بود که فرشته‌ی خداوند او را عیسی یعنی نجات‌دهنده نامید، زیرا او مردمش را از گناهانشان نجات می‌دهد.

## بند ۲۲

### عادل‌شمردگی ما از طریق ایمان به عیسی مسیح

ما ایمان داریم برای کسب شناخت حقیقی این راز بزرگ، روح‌القدس در قلوب ما ایمانی محکم شعله‌ور می‌کند که عیسی مسیح و همه‌ی نیکی‌های او را پذیرا می‌شود، او را از آن خود می‌کند و جز او چیز بیشتری نمی‌خواهد. چرا که یا همه‌ی چیزهای لازم برای نجات ما در عیسی مسیح نیست، یا اگر همه چیزها در او هست پس کسانی که از طریق ایمان عیسی مسیح را دارند در او به طور کامل به نجات می‌رسند. بنابراین، هر که بگوید عیسی کافی نیست

و علاوه بر او به چیز بیشتری نیاز است کفر بزرگی بر زبان رانده است؛ زیرا از آن سخن چنین استنباط می‌شود که عیسی نجات‌دهنده‌ی کاملی نیست.

در نتیجه، ما به درستی با پولس هم‌نوا هستیم که می‌گوید یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود. با وجود این، جهت این که موضع خود را واضح‌تر بیان کنیم، شایان ذکر است که منظور ما این نیست که ایمان به خودی خود ما را عادل می‌سازد، زیرا ایمان فقط وسیله‌ای است که با آن عیسی که عدالت ماست را پذیرا می‌شویم. اما عیسی مسیح، با نسبت دادن شایستگی‌هایش به ما و با کارهای مقدس فراوانی که برای ما و به جای ما کرده است، عدالت ما است. به علاوه، ایمان وسیله‌ای است که ما را شریک او در همه‌ی صفات نیکش می‌کند، و وقتی آن چیزها از آن ما می‌شوند، برای بخشایش گناهانمان از حد کفایت فراتر می‌روند.

## بند ۲۳

### عادل‌شمردگی ما در برابر خداوند به چه معناست

ما ایمان داریم نجات ما در این است که به خاطر عیسی مسیح گناهانمان پاک گردد، و این به معنای درستکاری ما در برابر خداوند است؛ همان‌طور که داوود و پولس گفته‌اند، این نیکبختی بشر است، این که خداوند بر مبنایی به جز اعمال انسان درستکاری را به او نسبت دهد. به علاوه، همان رسول می‌گوید **و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیة‌ای که در عیسی مسیح است.**

بنابراین، همواره به این ریسمان چنگ خواهیم زد، همه‌ی جلال را به خدا نسبت خواهیم داد، در برابر او فروتنی پیشه خواهیم کرد، و تصدیق می‌کنیم که ما همانیم که هستیم، بدون این که به هیچ چیزی از وجود خود اعتماد کنیم یا مزیتی برای خود قائل شویم، فقط به فرمانبرداری از عیسی مصلوب تکیه و اعتماد می‌کنیم، و هرگاه به او ایمان داشته باشیم او از آن ما خواهد شد. همین برای پوشاندن تمامی نقائص ما و اطمینان برای نزدیک شدن به خداوند کفایت می‌کند؛ وجدان ما را از ترس، وحشت و دلهره آزاد می‌کند، بدون آن که دیگر به دنبال نمونه‌ی پدر اولیه‌ی خودمان آدم بخواهیم برویم، در حالی که می‌لرزید، کوشید خود را با برگ‌های انجیر بپوشاند. و به راستی، اگر قرار باشد با تکیه بر خود یا هر مخلوق دیگری، هر اندازه اندک، در پیشگاه خداوند حاضر شویم نابود خواهیم شد. پس همه باید هم‌نوا با داوود چنین نیایش کنیم: **و بر بنده‌ی خود به محاکمه برمیا. زیرا زنده‌ای نیست که به حضور تو عادل شمرده شود.**

## بند ۲۴

### تقدس انسان و اعمال نیک

ما ایمان داریم این ایمان حقیقی، که با شنیدن کلام خدا و کار روح القدس در انسان ایجاد می شود، انسان را از تبدیل کرده و او را احیاء می سازد، و باعث می شود زندگی تازه ای در پیش بگیرد و از قید گناه رها گردد. پس اصلاً این طور نیست که این ایمان عادل شمرنده باعث شود انسان زندگی پرهیزکارانه و مقدسش را فراموش کند، و بر عکس، بدون این ایمان آدمیان هیچ کاری که از سر محبت به خداوند باشد انجام نمی دهند، بلکه کارهایشان فقط از سر خودپرستی یا ترس از محکومیت خواهد بود. در نتیجه، ممکن نیست این ایمان مقدس برای انسان ثمربخش نباشد؛ زیرا منظور ما ایمانی بیهوده نیست، بلکه ایمانی است که به گفته ی کتاب مقدس از سر محبت عمل می کند، ایمانی که انسان را برمی انگیزد تا احکامی را که در کلام خداوند آمده اند انجام دهد. کارهایی که، چون از ریشه ی نیکوی ایمان می رویند، در چشم خداوند نیک و پذیرفتنی هستند، زیرا همگی با فیض او مقدس شده اند؛ در عین حال در عادل شمردگی ما نقشی ندارند. زیرا ما فقط با ایمان به مسیح عادل شمرده می شویم، حتی پیش از آن که کارهای نیک کنیم؛ در غیر این صورت کار نیکی وجود نمی داشت، همان طور که پیش از آن که درخت خود خوب باشد ممکن نیست میوه اش خوب باشد.

پس ما کار نیک می کنیم، ولی نه برای این که از طریق آن ها شایستگی کسب کنیم (بابت چه چیز می توانیم شایستگی کسب کنیم؟) - نه، ما بابت کارهای نیکی که می کنیم مدیون خداوند هستیم، زیرا خداست که در شما بر حسب رضامندی خود، هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد می کند. پس بیایید به آن چه مکتوب است توجه کنیم: هم چنین شما نیز چون به هر چیزی که مأمور شده اید عمل کردید، گویند که غلامان بی منفعت هستیم زیرا که آن چه بر ما واجب بود به جا آوردیم.

در عین حال، انکار نمی کنیم که خداوند کارهای نیک ما را پاداش می دهد، اما او از سر فیض خویش بر مواهبش تاج می نهد. افزون بر این، گرچه ما کار نیک می کنیم، نجات خویش را مبتنی بر آن نمی دانیم؛ زیرا ما هر کاری کنیم به جسم آلوده بوده و لذا قابل مجازات است؛ هم چنین گرچه می توانیم چنین کارهایی انجام دهیم، حتی به یاد آوردن یک گناه کافی است تا خداوند آن کارها را رد کند. بر این اساس، ما همواره در تردید هستیم و از یقین بهره ای نداریم، و اگر وجدان بیچاره ی ما بر الطاف حاصل از رنج و مرگ نجات دهنده تکیه نکند پیوسته در آزار خواهد بود.

## بند ۲۵

### لغو اعمال شریعت

ما ایمان داریم اعمال و رسوم شریعت با آمدن عیسی پایان و تمامی کارهای ناکرده سرانجام یافتند، پس اجرایشان در میان مسیحیان باید لغو گردد؛ اما حقیقت و جوهر آنها در عیسی مسیح با ما می ماند، و در اوست که به کمال می رسند. در همین حال، ما از شهادت حاصل از شریعت و انبیاء به عنوان تاییدی بر آموزه های انجیل و برای تطابق زندگی مان در کمال صداقت و برای جلال خداوند بر طبق اراده ی او استفاده می کنیم.

## بند ۲۶

### شفاعت عیسی

ما ایمان داریم هیچ گونه دسترسی به خداوند نداریم مگر فقط از راه شفیع و حامی مان عیسی مسیح عادل، که انسان شد، در یک شخص طبیعت الهی و انسانی را وحدت داد، و تا آمدن به حضور حضرت اعلی را میسر سازد، و از غیر این راه این دسترسی ممکن نخواهد بود. اما این میانجی، که پدر او را میان خودش و ما منصوب کرده است، نباید به هیچ وجه با شکوهش موجب دهشت ما شود، یا باعث شود به خیال خود در پی واسطی دیگر برویم. زیرا هیچ مخلوقی نیست، چه در آسمان و چه در زمین، که ما را بیش از عیسی مسیح دوست داشته باشد؛ **هم او که چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد.** حتی اگر بخواهیم به دنبال واسط دیگری باشیم، چه کسی به ما محبت خواهد داشت، چه کسی را پیدا خواهیم کرد که از آن شخصی که زندگی اش را برای ما از دست داد، آن هم زمانی که ما دشمنش بودیم، ما را بیشتر دوست داشته باشد؟ اگر به دنبال کسی باشیم که صاحب قدرت و شکوه باشد، چه کسی وجود دارد که به اندازه ی آن که در دست راست پدرش می نشیند و تمامی قدرت آسمان و زمین را دارد صاحب آن دو ویژگی باشد؟ صدای چه کسی زودتر از پسر عزیز خداوند نزد او شنیده خواهد شد؟

بنابراین، فقط به علت ضعف ایمان بود که به جای احترام به مقدسین چنان با ایشان برخورد شد که منجر به بی احترامی گردید، و مردم در قبالشان کاری کردند که آنها خود هیچ گاه نکرده و مطالبه نیز ننموده بودند، بلکه بر عکس از سر وظیفه، و چنان که در نوشته هایشان مشهود است، پیوسته مردود می شمردند. به علاوه، ما نباید در این جا به بی ارزش بودنمان متوسل شویم؛ زیرا منظور این نیست که ما باید بر اساس ارزش خویش در پیشگاه خدا دعا کنیم، بلکه فقط بر اساس مقام رفیع و ارزش عیسی مسیح باید چنین کنیم که از طریق ایمان، درستکاری او از آن ما شمرده خواهد شد.

بر این اساس، رسول برای این که این ترس احمقانه و بلکه عدم ایمان را از ما بزداید به درستی گفته است: از این جهت [عیسی مسیح] می بایست در هر امری مشابه برادران خود شود تا در امور خدا رئیس گهانه ای



کریم و امین شده، کفاره گناهان قوم را بکند. زیرا که چون خود عذاب کشیده، تجربه دید استطاعت دارد که تجربه شدگان را اعانت فرماید. افزون بر این، برای این که ما را دل گرم کند می‌گوید: پس چون رئیس کهنه‌ی عظیمی داریم که از آسمان‌ها در گذشته است، یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم بداریم. زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند هم‌درد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه. پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت [ما را] اعانت کند. همان رسول می‌گوید: پس ای برادران، چون که به خون عیسی دلیری داریم تا به مکان اقدس داخل شویم، پس بیایید با قلبی حقیقی و سرشار از اطمینان ایمان نزدیک گردیم... به همین ترتیب: از این جهت نیز قادر است که آنانی را که به وسیله‌ی وی نزد خدا آیند، نجات بی‌نهایت بخشد، چون که دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند.

پس چه چیز دیگری ممکن است لازم باشد؟ زیرا عیسی خود می‌گوید: من راه و راستی و حیات هستم. هیچ‌کس نزد پدر جز به وسیله‌ی من نمی‌آید. پس به چه منظور باید به دنبال حامی دیگری باشیم، به ویژه که خداوند خود خواسته است پسرش را حامی ما گرداند؟ بیایید او را ترک نکنیم و دیگری را برنگزینیم، و یا بی آن که بتوانیم او را بیاییم در پی کسی دیگر باشیم؛ زیرا خداوند آنگاه که او را به ما می‌داد به خوبی می‌دانست که گناهکاریم.

در نتیجه، بنا به فرمان عیسی آن گونه که در دعای خداوند آمده است، ما از طریق عیسی مسیح، تنها منجی‌مان، دست به درگاه پدر آسمانی دراز می‌کنیم؛ اطمینان خواهیم داشت هر آن چه به نام او از پدر بخواهیم به ما عطا خواهد شد.

## بند ۲۷

### کلیسای جامع مسیحی

ما ایمان داریم و معترفیم به یک کلیسای جامع و جهانی، که جماعت مقدس ایمانداران حقیقی مسیحی است، همه در انتظار نجات‌شان در عیسی مسیح، شسته شده با خون او، تقدیس و مهر شده با روح‌القدس.

این کلیسا از آغاز جهان بوده و تا پایان جهان خواهد بود، و این مطلب از آن جا روشن است که عیسی پادشاه ازلی است و بدون مردمان نمی‌تواند پادشاه باشد. این کلیسای مقدس را خداوند در برابر خشم سراسر جهان محافظت و حمایت می‌کند؛ گرچه گاهی کلیسا (برای مدتی) بسیار کوچک به نظر می‌رسد و در چشم مردمان ناچیز و تقلیل یافته می‌شود، هم‌چون دوران خطرناک آحاب، و با این حال حتی در آن زمان نیز خداوند می‌گوید: هفت هزار مرد به جهت خود نگاه داشتیم که به نزد بعل زانو زده‌اند.

به علاوه، این کلیسای مقدس محدود و مقید به یک مکان یا اشخاص مشخصی نیست، بلکه در سراسر جهان گسترده و پراکنده است؛ با این حال، همگی از طریق قلب و اراده، از طریق قدرت ایمان، در یک روح به هم متصل هستند.

## بند ۲۸

### همه باید به کلیسای راستین ملحق شوند

ما ایمان داریم از آن جا که این جمع متعلق به کسانی است که نجات یافته‌اند و خارج از آن نجات نیست، پس هیچ کسی در هر وضعیت یا شرایطی نباید از آن بیرون رود و مجزا از آن زندگی کند؛ بلکه همه‌ی انسان‌ها وظیفه دارند به آن ملحق شوند و با آن اتحاد یابند و وحدت کلیسا را حفظ نمایند؛ باید خود را به نظم و آموزه‌های آن تسلیم کنند؛ گردن خود را زیر یوغ عیسی مسیح قرار دهند؛ و به عنوان اعضای یک بدن، بنا به استعدادهایی که خداوند به ایشان عطا کرده است به هم ایمانان خود یاری رسانند.

هم‌چنین برای این که این امر به درستی انجام شود، وظیفه‌ی تمامی ایمان‌داران این است که، بر حسب کلام خدا، خود را از کسانی که به کلیسا تعلق ندارند جدا کنند و در هر جا که خدا این اجتماع را برقرار کرده باشد به آن ملحق شوند، حتی اگر فرمانروایان و شاهزادگان مخالف این کار باشند؛ بلی، حتی اگر به مرگ یا هر مجازات جسمانی دیگری محکوم شوند. بنابراین، همه‌ی کسانی که خود را از آن جدا می‌کنند یا به آن ملحق نمی‌شوند خلاف فرمان خداوند عمل کرده‌اند.

## بند ۲۹

### مشخصه‌های کلیسای راستین، و تفاوت‌های آن با کلیسای دروغین

ما ایمان داریم باید با دقت و احتیاط در کلام خدا تدبر کنیم تا ببینیم کلیسای راستین کدام است، زیرا تمامی فرقه‌های جهان نام کلیسا را برای خود اخذ کرده‌اند. منظور ما افراد ریاکاری نیست که در کلیسا با نیکان مخلوط شده‌اند و با این که در کلیسا هستند به کلیسا تعلق ندارند؛ منظور ما این است که بدنه و اجتماع کلیسای راستین می‌بایست از تمامی فرقه‌هایی که خود را کلیسا می‌نامند متمایز باشد.

مشخصه‌های شناسایی کلیسای راستین بدین قرار است: آموزه‌ی ناب انجیل در آن جا موعظه می‌شود؛ آیین‌ها به درستی و در پاکی خود بنا به آن چه عیسی مسیح بنیان نهاده است انجام می‌شود؛ انضباط کلیسایی و تادیب گناه صورت می‌گیرد؛ خلاصه، همه چیزش مطابق با کلام ناب خداست، هر چه با آن در تضاد باشد رد می‌کند، و عیسی مسیح به عنوان تنها سر مقدس کلیسا شناخته می‌شود. بدین طریق می‌توان کلیسای حقیقی را شناخت، و هیچ انسانی حق ندارد پیوند خود را از آن ببرد.

در خصوص اعضای کلیسا، آن‌ها را می‌توان با مشخصه‌های مسیحیان شناخت، یعنی با ایمان؛ هرگاه آن‌ها تنها نجات‌دهنده یعنی عیسی مسیح را دریافت کنند از گناه پرهیز می‌کنند، درستکاری پیشه می‌کنند، خدای راستین و همسایه‌ی خود را محبت می‌نمایند، هیچ‌گاه رو به سوی چپ و راست نمی‌کنند، و با اعمالشان جسم را مصلوب می‌کنند. اما این سخنان بدین معنا نیست که آن‌ها ضعف‌های فراوان ندارند؛ ولی به کمک روح‌القدس در تمامی روزهای زندگی با آن ضعف‌ها می‌جنگند و پیوسته پناه خود را در خون، مرگ، دل‌سوزی، و سرسپردگی خداوند ما عیسی مسیح می‌جویند، هم او که در وی از طریق ایمان به وی از گناهان خلاص می‌شوند.

در خصوص کلیسای دروغین، او در مقایسه با کلام خداوند برای خودش قدرت و مرجعیت بیشتری قائل است و خود را تسلیم یوغ عیسی نمی‌کند. همچنین این کلیسا آیین‌ها را چنان که عیسی در کلام خود مشخص کرده است اجرا نمی‌کند، بلکه بنا به تشخیص خودش هر آن چه بخواهد از آن کم یا به آن اضافه می‌کند؛ این کلیسا بیش‌تر از عیسی بر انسان‌ها تکیه می‌کند؛ این کلیسا کسانی را که مطابق با کلام خدا زندگی مقدسی دارند آزار می‌دهد و به اشتباهات، طمع و بت‌پرستی خویش بی‌توجهی می‌کند. این دو کلیسا به سهولت از یکدیگر قابل تمایز هستند.

## بند ۳۰

### حکومت و مناصب کلیسا

ما ایمان داریم این کلیسای راستین می‌بایست تحت نظام روحانی‌ای باشد که خداوند در کلام‌اش به ما آموخته است – یعنی باید خادمین کلام خدا و کشیشان وجود داشته باشند تا کلام خدا را موعظه کنند و آیین‌ها را به جای آورند؛ همچنین باید مشایخ و شماس‌هایی باشند که، همراه با کشیشان، شورای کلیسا را تشکیل دهند؛ باشد که بدین طریق دین حقیقی حفظ شود، و تعلیم حقیقی در همه جا پراکنده گردد، و به همین ترتیب خاطیان با روش‌های روحانی تنبیه شوند و مهار گردند؛ همچنین ضروری‌های فقرا و تشویش‌زدگان برآورده شود و تسلی یابند و آرام گردند. بدین طریق همه چیز در کلیسا با نظم و ترتیب خوبی به اجرا در می‌آید، به ویژه اگر مردان ایماندار مطابق با قاعده‌ای که پولس رسول در رساله‌اش به تیموتائوس ذکر کرده انتخاب شوند.

## بند ۳۱

### خادمین کلام، مشایخ، شماس‌ها

ما ایمان داریم که خادمین کلام خداوند، و مشایخ و شماس‌ها باید به طور رسمی توسط کلیسا انتخاب و به آن خدمات منصوب شوند، با خواندن آن‌ها در نام خداوند و به آن ترتیبی که کلام خدا تعلیم می‌دهد. بنابراین، همگان باید مراقب باشند با وسائل نادرست در این کار دخالت نکنند، بلکه صبور باشند تا زمانی که خداوند ایشان را

فراخواند، تا زمانی که نشانه‌ی خواندگی خداوند مشهود گردد و اطمینان حاصل شود که خداوند ایشان را برگزیده است.

در خصوص خادمین کلام خداوند، آن‌ها نیز به طور یکسان درای قدرت و اقتدار می‌باشند، زیرا همگی خادمین مسیح هستند، مسیح که تنها اسقف جهانی و تنها سر کلیساست. افزون بر این، از آن جا که این امر مقدس خداوند نباید نقض یا منحرف گردد، ما می‌گوییم همه باید خادمین کلام خدا و مشایخ کلیسا را بابت کاری که انجام می‌دهند بسیار احترام کنند، و حتی الامکان هیچ نزاع و بحث و جدالی با ایشان پیدا کنند و همواره در صلح باشند.

## بند ۳۲

### نظم و انضباط کلیسایی

هم‌چنین ما ایمان داریم با این که تعیین سلسله مراتب میان رهبران کلیسا جهت حفظ بدنه‌ی آن سودمند و مفید است، ولی رهبران کلیسا باید به شدت مراقب باشند تا از اوامر عیسی، تنها ارباب ما، تخطی نکنند. بنابراین، ما تمامی مداخلات بشری، تمامی قوانینی که انسان وارد پرستش خداوند کرده باشد و به هر طریق وجدان را مقید و مجبور سازد مردود می‌شماریم.

بر این اساس، فقط چیزهایی را می‌پذیریم که وحدت و یکپارچگی را حفظ کرده و تقویت کند، و تمامی افراد را تحت فرمان خداوند درآورند. بدین منظور، جدا کردن افراد از جمع کلیسا و انضباط کلیسایی لازم است که باید تحت شرایطی که در کلام خداوند آمده است اجرا شود.

## بند ۳۳

### آیین‌ها

ما ایمان داریم که خداوند مهربان ما، به خاطر ضعف‌ها و سستی‌هایمان، آیین‌ها را برای ما مقرر کرده تا بر سر پیمان با او بمانیم، اراده‌ی نیکو و فیضش را دریافت کنیم، ایمانمان را که او در کلمات انجیل پیوند داده تغذیه و تقویت کنیم، تا از طریق اجرای آیین‌ها حواس خود را به آن چه با کلامش به ما گفته و هم‌چنین کارهایی که در باطن دل‌های ما می‌کند بهتر متمرکز کنیم، و بدین وسیله او ما را از نجاتی که ما بخشیده مطمئن ساخته و آن را تایید می‌کند. زیرا آیین‌ها علائم و نشانه‌های امور درونی و نادیدنی هستند که خداوند با قدرت روح‌القدس در ما به اجرا درمی‌آورد. پس علائم بی‌اهمیت و بی‌معنا نیستند و یا قرار نیست ما را بفریبند. زیرا عیسی مسیح همان حقیقی است که در آیین‌ها نشان داده می‌شود، و بدون او آیین‌ها معنا نخواهد داشت.

افزون بر این، ما از تعداد آیین‌هایی که خداوند ما عیسی مسیح مقرر کرده است خرسند هستیم؛ فقط دو آیین‌ها هستند، آیین تعمید و آیین شام مقدس خداوندمان عیسی مسیح (عشاء ربانی).

## بند ۳۴

### تعمید مقدس

ما ایمان داریم و معترفیم که عیسی مسیح، که اتمام شریعت است، با ریختن خون خود منجر به پایان یافتن ریختن تمامی خون‌های دیگری شد که انسان‌ها برای کفاره یا جبران گناه می‌ریختند؛ او با لغو ختنه، که با ریختن خون انجام می‌شد، به جایش آیین تعمید را آورد، و ما با این آیین در کلیسای خداوند پذیرفته می‌شویم، و از تمامی دیگر مردمان و ادیان بیگانه جدا می‌گردیم، تا به طور کامل به او تعلق پیدا کنیم و علامت و پرچم او را بر خویش داشته باشیم، و گواهی باشد بر این که او تا ابد خدا و پدر مهربان ما خواهد بود.

پس او به تمامی کسانی که به وی تعلق دارند دستور داد **در نام پدر، و پسر، و روح القدس** با آب تعمید گیرند تا بدانیم همان‌طور که آبی که بر تن ریخته می‌شود چرک تن را می‌شوید، و وقتی بر بدن تعمیدشونده پاشیده می‌شود بر آن مشاهده می‌گردد، خون مسیح نیز بنا به قدرت روح القدس از درون بر روح می‌پاشد، آن را از گناهانش پاک می‌کند، و ما را از فرزندان غضب به فرزندان خداوند تبدیل می‌نماید. این کار با آب بیرونی انجام نمی‌شود، بلکه با پاشیدن خون ارزشمند پسر خدا، که **دریای سرخ** ماست، هم او که باید از آن عبور کنیم تا از خشم فرعون، یعنی شیطان، در امان مانیم و وارد سرزمین روحانی کنعان شویم.

بنابراین، خادمین این آیین را و بخش ظاهری آن را انجام می‌دهند، ولی خداوند ما حقیقت آیین را عطا خواهد کرد، یعنی عطایا و فیض نادیدنی را خواهد بخشید؛ شستن، پاک کردن و زدودن روحمان از پلیدی و بی‌عدالتی؛ تازه ساختن دل‌های ما و پر کردن آن‌ها از آرامش؛ دادن اطمینان حقیقی به قلب‌های ما از این که او نیکی پدرانمان دارد؛ انسانیت تازه را در ما قرار دادن، و انسان قدیمی را با همه‌ی اعمالش دور کردن.

پس ما ایمان داریم هر کس که به راستی بخواهد حیات ابدی را کسب کند می‌بایست یک بار درست به همین روش تعمید شود، بی آن که لازم باشد آن را تکرار کند، زیرا ممکن نیست انسان دو بار به دنیا بیاید. همچنین این تعمید فقط در زمان پاشیده شدن آب بر ما و دریافت آن سودمند نیست، بلکه در سراسر زندگی سودمند خواهد بود.

بنابراین، ما از خطای آناباپتیست‌ها متنفریم: آن‌ها به همان یک تعمیدی که دریافت می‌کنند خرسند نیستند، و همچنین تعمید نوزادان مومنان را محکوم می‌کنند، ولی ما ایمان داریم که نوزادان باید تعمید داده شوند و با علامت عهد مهر گردند، همان‌طور که پیشتر در اسرائیل کودکان بنا به همین عهدها ختنه می‌شدند. در واقع، عیسی خون خود را نه فقط برای پاک کردن بزرگسالان که برای کودکان مومنان نیز ریخت؛ بنابراین، کودکان نیز باید علامت و آیینی را که عیسی برایشان انجام داده دریافت کنند؛ همان‌طور که خداوند در شریعت دستور داد، کودکان نیز باید کوتاه‌زمانی پس از تولد در آیین رنج و مرگ عیسی شرکت داده شوند و به ایشان بره‌ای پیشکش

شود، که همان آیین عیسی مسیح بود. علاوه بر این، تعمید برای کودکان ما نقش ختنه برای یهودیان را دارد. به همین دلیل، پولس می گوید تعمید ختنه در عیسی است.

## بند ۳۵

### شام خداوند ما عیسی مسیح (عشاء ربانی)

ما ایمان داریم و معترفیم عیسی مسیح نجات دهنده‌ی ما دستور به اجرای آیین شام خداوند را داد تا از کسانی که او تولد تازه بخشیده و در خانواده‌ی مقدسش، یعنی کلیسا، پذیرا شده حمایت کرده و آن‌ها را رشد دهد.

کسانی که تولد تازه یافته‌اند حیاتی دوگانه در خود دارند: یکی حیات جسمانی و موقت که از زمان اولین تولد شروع می‌شود و میان همه‌ی انسان‌ها مشترک است؛ دومی حیات روحانی و آسمانی که در تولد دومشان به ایشان داده می‌شود و بر حسب انجیل با شراکت در بدن عیسی به اجرا درمی‌آید؛ این زندگی میان همه‌ی انسان‌ها مشترک نیست بلکه فقط به برگزیدگان خداوند تعلق دارد. به همین ترتیب، خداوند جهت حمایت از زندگی جسمانی و زمینی به ما نان زمینی و مشترکی داده که در درجه دوم اهمیت قرار دارد و همه‌ی انسان‌ها را بدان دسترسی هست، هم‌چون خود زندگی. اما جهت پشتیبانی از حیات روحانی و آسمانی که ایمانداران دارند، نان زنده‌ای از آسمان فرورستاده که عیسی مسیح نام دارد و حیات روحانی مومنان، با خوردنش، تقویت می‌شود و رشد می‌یابد؛ منظور از خوردن او این است که با ایمان به روح القدس، او را دریافت کنند.

عیسی، برای ارائه‌ی خود به ما به عنوان نان روحانی و آسمانی، یک نان زمینی و دیدنی را به عنوان نماد بدنش، و شراب را به عنوان نماد خورش تعیین کرد تا با آن‌ها به ما گواهی دهد که با در دست نگاه داشتن این عناصر مقدس، و خوردن و نوشیدن آن‌ها، زندگی ما تغذیه خواهد شد و با کمک ایمان (که دست و دهان روح ماست) بدن و خون حقیقی عیسی را، که تنها نجات دهنده‌ی ماست، در روحمان دریافت می‌کنیم تا حیات روحانی‌مان حمایت گردد.

اکنون، از آن جا که به قطع و یقین می‌دانیم عیسی مسیح بیهوده از ما نخواست تا آیین‌های مقدس را اجرا کنیم، پس می‌دانیم که او حقایقی را که این علائم مقدس نماینده‌ی آن‌ها هستند در ما به اجرا درمی‌آورد، گرچه شیوه‌ی اجرایش فراتر از فهم ماست و ما قادر به درک آن نیستیم، زیرا کارهای روح القدس پنهان و فهم‌ناپذیرند. در همین حال، این سخن ما خطا نیست: آن چه می‌خوریم و می‌نوشیم مناسب با بدن طبیعی و مناسب با خون واقعی عیسی است. اما این مشارکت صرفاً در خوردن این عناصر نیست، بلکه به کمک روح القدس و از راه ایمان است. پس نتیجه می‌شود که گرچه عیسی همواره در آسمان‌ها به دست راست خدای پدر نشسته است، ما با ایمان در وجود او مشارکت می‌کنیم. این جشن یک میز روحانی است که عیسی با حضور بر سر این میز، خود را با همه‌ی مزیت‌هایش به ما می‌دهد، و ما می‌توانیم از او و از شایستگی‌های حاصل از رنج و مرگ او بهره‌مند شویم و ارواح مسکین و فاقد

آسایشمان را تغذیه و تقویت کنیم و تسلی دهیم – از این راه که گوشت او را بخوریم، و با نوشیدن خونش این امور را به حرکت واداشته و تازه نماییم.

افزون بر این، هرچند آیین‌های مقدس با عناصر معمولی دلالت شده‌اند، اما نباید توسط همه‌ی انسان‌ها دریافت شوند؛ آنان که از آن مسیح نیستند در وارد شدن به آیین‌ها محکومیت خود را دریافت می‌کنند و نه حقیقت نهفته در آن را. همان‌طور که یهودا و شمعون جادوگر نیز آیین‌ها را دریافت کردند، اما نه به طریقی که ایماندارن مسیح در آیین‌ها شرکت کردند زیرا عیسی را که معنای این آیین است رد کردند.

در نهایت، ما این آیین مقدس را در حضور فرزندان خداوند با فروتنی و احترام دریافت می‌کنیم و مرگ عیسای نجات‌دهنده را با شکرگزاری به خاطر می‌آوریم، و به ایمان و دین مسیحی خود اعتراف می‌کنیم. پس هیچ کس نباید به میز شام خداوند بیاید مگر آن که پیشتر به درستی خود را آماده کرده باشد؛ مبادا با خوردن این نان و نوشیدن این جام داوری را بخورد و بنوشد. خلاصه، شادمانیم از این که این آیین مقدس محبتی پرشور به خداوند و همسایه‌مان در ما ایجاد می‌کند.

بنابراین، ما تمامی اضافات و انحرافات را که سایرین به این آیین‌های مقدس وارد کرده‌اند محکوم می‌کنیم و کفر می‌دانیم، و تصدیق می‌کنیم که باید فقط همان چیزی را که عیسی و رسولانش امر کرده‌اند به اجرا درآورد، و ما باید درباره‌ی آیین‌ها همان صورتی صحبت کنیم که آن‌ها صحبت می‌کنند.

## بند ۳۶

### حاکمان

ما ایمان داریم خداوند مهربان ما، به علت محرومیت بشر، شاهان و شاهزادگان و حاکمانی تعیین کرده تا جهان بر اساس یک سری قوانین و سیاست‌ها اداره گردد؛ با این هدف که هرزگی آدمیان مهار گردد و همه چیز در میان ایشان نظم و ترتیب یابد. بدین منظور، او به حاکم شمشیر داده است، برای مجازات بدکاران و پاداش درستکاران. وظیفه‌ی آن‌ها نه تنها مراقبت و محافظت از رفاه شهروندان، بلکه دفاع از آیین مقدس است، و لذا باید بت‌پرستی و پرستش‌های دروغین را براندازند و از آن‌ها جلوگیری کنند؛ باید پادشاهی ضد مسیح را نابود و پادشاهی مسیح را گسترش دهند. آن‌ها باید موعظه‌ی کلام انجیل را در همه جا بگسترند تا همگان خداوند را، آن‌طور که در کلامش دستور داده، احترام بگذارند و بپرستند.

افزون بر این، وظیفه‌ی عینی هر کسی، از هر وضع و کیفیت و شرایط است، که خود را تسلیم حاکمان کند؛ مالیات دهد و حاکمان را محترم و عزیز شمرد، و در تمامی اموری که با کلام خدا در تعارض نباشند ایشان را فرمانبرداری کند؛ در دعاهایش حاکمان را دعا کند، دعا کند که خداوند ایشان را در تمامی مسیره‌ایشان هدایت کند و بر آن‌ها حاکم باشد، و دعا کند که ما در عین ایمان و صداقت زندگی آرام و سرشار از صلح داشته باشیم.

از همین رو، ما از اشتباهات آناپتیسیت‌ها و سایر فتنه‌انگیزان، و به طور کل تمامی کسانی که قدرت‌ها و حاکمان را مردود می‌شمارند، عدالت را برمی‌اندازند، و با مالکیت‌ها و نظم صحیح و درستی که خداوند میان مردمان نهاده است دشمنی می‌کنند بیزاریم.

## بند ۳۷

### داوری نهایی

سرانجام، بر اساس کلام خداوند ایمان داریم هرگاه زمانی که خداوند تعیین کرده (که برای همه مخلوقات نامعلوم است) فرا برسد، و تعداد برگزیدگان کامل شود، خداوند ما عیسی مسیح از آسمان می‌آید، با جسمش و به صورت مرئی، درست همان‌طور که صعود نیز کرد؛ او با شکوه و جلالش می‌آید و خود را داور مردگان و زندگان اعلام می‌کند، و این دنیای قدیمی را با شعله و آتش می‌سوزاند تا پاکش گرداند. سپس تمامی انسان‌ها یک به یک در برابر این داور بزرگ قرار می‌گیرند، اعم از مرد و زن و کودک؛ همه‌ی انسان‌هایی که از آغاز تا پایان جهان وجود داشته‌اند با کلام فرشتگان مقرب و صدای شیپور خداوند فراخوانده می‌شوند. همه مردگان از خاک بلند می‌شوند و ارواحشان با جسم واقعی‌شان که پیشتر در آن می‌زیستند متحد می‌گردد. در خصوص آن‌هایی که در آن زمان زنده هستند، ایشان هم‌چون سایرین نمی‌میرند بلکه در چشم برهم‌زدنی از فسادپذیر به فسادناپذیر تبدیل خواهند شد.

سپس کتاب‌ها (به بیان دیگر، وجدان‌ها) گشوده می‌شوند و مردگان بر اساس آن چه در این جهان کرده‌اند، اعم از نیک و بد، داوری می‌گردند، بلکه تمامی انسان‌ها هر کلام بیهوده‌ای را که گفته باشند و دنیا آن را لطیفه و شوخی تلقی کرده باشند نقل می‌کنند؛ و سپس رازها و دورویی‌های مردم در برابر همگان آشکار خواهد شد.

بنابراین، فکر این داوری به درستی برای بدکاران و خدانشناسان ترسناک و هول‌انگیز است، اما برای درستکاران و برگزیدگان مطلوب‌ترین و تسلی‌بخش‌ترین؛ زیرا در آن زمان نجاتشان تکمیل می‌شود و ثمره‌ی تلاش و زحماتی را که متحمل شده‌اند دریافت می‌کنند. برائت آن‌ها آشکار می‌شود و انتقام وحشتناک خداوند از بدکاران را مشاهده خواهند کرد، همان بدکارانی که در این جهان درستکاران را با قساوت تمام آزار می‌دهند و سرکوب و شکنجه می‌کنند؛ آن کس که با شهادت وجدان خویش محکوم گردد، از آن جا که جاودان است، تا ابد در آتش دوزخی که برای شیطان و یارانش فراهم شده است می‌سوزد. اما برعکس، مقدسین و برگزیدگان تاج جلال و افتخار بر سر می‌کنند، و پسر خداوند در برابر خدای پدر و فرشتگان منتخب او نام‌های ایشان را بر زبان خواهد آورد؛ اشک‌ها از گونه‌هایشان پاک خواهد شد؛ هم‌چنین سلوک آن‌ها، که اکنون بسیاری از قاضیان و حاکمان آن را کفر و بدعت می‌خوانند، به عنوان ایمان به پسر خدا شناخته خواهد شد. هم‌چنین به عنوان پاداشی از سر مهربانی، خداوند چنان جلالی به ایشان می‌بخشد که درکش برای هیچ انسانی ممکن نیست.



بنابراین، ما با کمال میل منتظر آن روز بزرگ هستیم، با این هدف که از وعده‌های خداوند در خداوندمان عیسی مسیح به طور کامل مسرور گردیم، آمین.

بیا، ای خداوند عیسی! (مکاشفه ۲۲: ۲۰).